

مقدمة مصححة

کسانی که هنوز بادیات و شاهکارهای ادبی باستان اهمیت میدهند میدانند که یکی از نفایس کتب زبان پارسی ترجمهٔ تاریخ یمینی است. این کتاب را ابوالنصر محمد عتبی درسدهٔ پنجم بتازی تألیف و ابوالشرف ناصح جرفادقانی (۱) درسدهٔ ششم پارسی شیوانی نقل کرده است. - کنیه عتبی «ابوالنصر» هم ضبط شده.

ابوالنصر محمد بن عبد الجبار العتبی از فحول افضل خراسان است، مؤرخ و دیبر و شاعر بوده، در علم و ادب و فصاحت و بلاغت رتبهٔ کمال داشته، فضلای ایران و ماوراء النهر و زاویستان و عراق بقدم او اذعان میکرده اند.

عتبی زاد و بومش شهرستان ری بوده، در آغاز شباب که هنوز در بوستان عارضش خط ندمیده بود ترک دار و دیار گفته بعراسان نزد خال خود بونصر عتبی از وجوده عمال سامانیان رفته است. خالش، که پیری محشیم با دیداری نیکو بود، خواهرزاده را مانند فرزند بجان پروردید در نکو داشت وی تکلف و تنوق کرد؛ چون خود اهل دانش بود، او را بکسب علم و ادب و مطالعه کتب سودمند و مصاحب با دانشوران تشویق میفرمود. محمد عتبی از لغت و ادبیات عرب و فقه و حدیث و تفسیر و منطق و کلام بهرهٔ وافی یافت، کتاب کریم را با قراءات دهگانه حفظ کرد، در تاریخ و سیر دید، از خرمن آزمایش خوشها برگرفت تا سزاوار دولت و شایان عزت و رفتگردید. جوان رازی که طراوتی با لطافت و لیاقتی بی نهایت داشت، پس از احوال و اسفاری که برایش پیش آمد، در بخارا بدربار امیر رضی ابوالقاسم نوح بن منصور هفتمین پادشاه سامانی راه و جاه یافت، رئیس برید نیشاپور شد، و سالی چند هم صاحب دبوان رسائل عداد الدوله ابوعلی محمد بن محمد سیمجرور امیر و سپهسالار خراسان بود.

و لم ار امثال الرجال تفاوت لدی المجد حتى عدد الف بواحد

عتبی آزاد مردی فرزانه و متین و فروتن و خویشن دار و بلند همت و گشاده روی و خوش محضر و مجلس آرا و بذله گوی بود؛ با مردم نیکوکار و در دوستی وفا دار، در فضل و دانش بمثابتی که شمس المعالی ابوالحسن قابوس بن وشکیز بن زیار (۲)

(۱) جرفادقان - یا - جرباذقان مغرب گلپایگان است (۲) آل ذیار از خاندانهای بزرگ و اصلی ایران و دارای صفات بر جسته ایرانی که مردانگی و نیکی و جنگاوریست بوده اند. اگر روزگار با پادشاهان این سلسله یاری میکرد دارالخلافة بغداد را میگرفتند و فر و شکوه دربار ساسانی را تجدید میکردند.